

تاریخچه می کتاب و کتابخانه در ایران

از دوازدهم بهشت تا ما امروز

رکن الدین همایون فرخ

مدیرعامل کتابخانه‌های عمومی شهرداری تهران

در سالهای اخیر در اثر کاوشهای تپه مارلیک و بدست آمدن مهره‌های مخطوط این نظر را که ایرانیها خط میخی را از سومری‌ها و بابلی‌ها اخذ کرده باشند متزلزل کرده است.

مهره‌های بدست آمده از تپه مارلیک جمعاً یازده مهره‌اند که منقوش و مخطوطند و ارزش علمی آنها بمراتب بیش از جامه‌های زرین و سیمین و زیورآلات دیگری است که کشف شده است.

مهره‌های استوانه‌ای در ایران باستان بجای مهر بکار میرفته و اکثراً دارای خطوط و یا علائم و نقوش‌هایی هستند^۱ و این نقوش و نگارها بیشتر نشانه‌ها و یا شعارهای مذهبی هستند.

این مهره‌ها از نظر روشن کردن بسیاری از مسائل مهم و مکتوم تاریخ نقش برجسته و مهمی را ایفا میکنند.

دکتر فرانکفورت تحقیقات ارزنده و بسیار سودمند و قابل توجهی درباره مهره‌های استوانه‌ای انجام داده که در کتابی بنام «مهره‌های استوانه‌ای» مدون گردیده و مورد استفاده و استناد اهل فن است.

برطبق نظر دانشمندان خط‌شناسی، پیدایش خط نخست از علائم و نقوش آغاز گردیده و مهره‌های استوانه‌ای و غیره - استوانه‌ای را با نقر و حکاکی نقوش و علائم برای مهر کردن

از آنجا که کتاب و کتابخانه شناسنامه دانش و اندیشه و تمدن ملت‌ها شناخته میشود، و ایران گرامی میهن ما و مردم فرهنگ پرور و هنردوست آن در وجود آوردن کتاب و کتابخانه از پیشروترین ملت‌ها بوده‌اند، اینک در این باره اطلاعاتی بسیار فشرده و مختصر بعرض خوانندگان ارجمند میرسد.

برای آگاهی از سرگذشت کتاب و کتابخانه در ایران از قدیم‌ترین دوران باید نخست سخن از پیدایش خط وسیله ثبت و ضبط اندیشه و فکر بمیان آورد. گرچه توضیح و تحقیق درباره پیدایش خط در ایران مستلزم بحثی مفصل است و اگر بخواهیم در آن بخوض و بررسی بپردازیم رساله‌ای کامل را شامل است لیکن ناگزیر باید برای آغاز سخن و ورود بمطلب مورد طرح شمه‌ای بآن اشارت رود.

بنابه تحقیق دانشمندان رشته خط‌شناسی نخستین خطی که در ایران باستان سابقه تاریخی دارد خط «دین دبیره» است^۲ که تاریخ اختراع آن را بدو هزار سال قبل از میلاد مسیح که چهار هزار سال قبل از این تاریخ باشد تخمین زده‌اند^۳.

با اکتشافات باستان‌شناسی و بدست آمدن مهره‌های مخطوط و مطالعاتی که از طرف دانشمندان بعمل آمده است باید در این مطلب تجدید نظر کرد. مسلم است هنوز تاریخ تحقیقی و مستند ایران باستان مراحل نخستین را طی میکند و بنابراین نمیتوان درباره اینگونه مسائل و مطالب اظهار نظر قطعی کرد.

پیدایش خط حرفی را خط‌شناسان در حدود سه هزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح در بین‌النهرین دانسته‌اند و نظرشان اینست که سومری‌ها و بابلی‌ها مخترع خط بوده‌اند. بدیهی است خطوط علائمی و نشانه‌ای و نقشی (هیرو کلیف و خطوط مشابه آن) قدمتشان به بیش از این تاریخ میرسد.

میدانیم که سنگ نوشته‌های دوران هخامنشی با خطوط میخی نوشته شده است. خط‌شناسان اختراع خط میخی را از سومری‌ها و بابلی‌ها دانسته‌اند.

۱ - این ندیم آن را دین دبیره ثبت کرده است نه دین دبیره و این املا صحیح است زیرا اصل آن «دین دبیره» است یعنی خط دینی - جزء نخست آن دین بمعنی آئین است و تازیان به همین معنی آن را از ایرانیان گرفته‌اند قسمت دوم که (دبی وریه) باشد مرکب است از (دبی) یعنی خط و (ور). از ادات فاعلی و (یه) که همان (ی) مصدری فارسی است با های ساکن (سبک‌شناسی استاد بهار ج ۱ ص ۸۱).

۲ - خرده اوستا استاد پورداود.

۳ - نویسنده تعداد زیادی از این مهره‌ها را در اختیار دارد که متعلق بدوران قبل از ماد و هخامنشی و اشکانی و ساسانی است.

سرکوزه‌ها و خمره‌ها و سبدهای اجناس و یالوازم و دارائی خود بمنظور معرفی و حفظ مالکیت بکار می‌برده‌اند و بمرور زمان و گذشت دوران این علائم و نقوش مختصر شده و علائم بجای حروف بکار رفته است .

از یازده مهره استوانه‌ای که ذرتیه مارلیک بدست آمده است خوشبختانه یکی از آنها با خطوطی میخی شکل منقور است و آقای پرفسور کامرون استاد خطوط باستانی خاورمیانه در دانشگاه میشیگان آمریکا آنرا مورد تحقیق و مطالعه قرار داده و امید است بزودی نتایج مطالعات ایشان در دسترس پژوهندگان دانش قرار گیرد .

بنا باظهار نظر این دانشمند خط شناس خطوط منقور در این استوانه نمیتواند از دوهزار سال قبل از میلاد مسیح جدیدتر باشد و خطوط آن از نوع خطوط علائمی و نقشی است که قبل از پیدایش خط میخی بکار میرفته و پس از گذشت چند قرن خط میخی از روی اینگونه خطوط بوجود آمده است .

با در دست داشتن این خط و قدمت اشیاء بدست آمده از تپه مارلیک میتوان نظر داد که معقول نیست ایرانیها با در دست داشتن خط علائمی و نقشی از نوع خط میخی ، خط میخی خود را از ملت‌های دیگر اخذ و اقتباس کرده باشند . ملت تمدنی که آن چنان آثار زیبا و هنری بوجود می‌آورده و توانسته بوده است برای بیان مطالب خود خط علائمی و نشانه‌ای را اختراع کند ، چه نیازی داشته است که خط حرفی (الفبائی) را از ملت دیگری اخذ و اقتباس کند ؟ آیا این نظر معقول‌تر نیست که ایرانیها با در دست داشتن خط نقشی و علائمی آنرا بمرور ساده و تکمیل کرده و بصورت خط حرفی و الفبائی بکار برده باشند ؟ آنچه مسلم است پیدایش خط در ایران فعلاً تا دوهزار سال قبل از میلاد مسیح محرز است بدیهی است میتوان تصور کرد از آنگاه که ایرانیها توانسته‌اند بنویسند توان پذیرفت که به ثبت افکار و تجربه‌های خود نیز پرداخته باشند .

درباره خطوط رایج در ایران پیش از حمله عرب آنچنانکه شایسته و بایسته است هنوز تحقیقات و تتبعات کامل و جامع بعمل نیامده و فعلاً تنها مأخذ اطلاعات ما محدود است بآنچه که مورخان و محققان عرب در صدر اسلام و یا مورخان قدیم یونان از خود بجای گذاشته‌اند .

ابن ندیم در الفهرست به نقل از روزبه فارسی (ابن مقفع) مینویسد که : ایرانیها هفت نوع خط داشته‌اند ۱ - دین دبیره که اوستا را بآن مینوشته‌اند ۲ - ویش دبیره که بآن اصوات و آهنگ‌ها و اشارات و علائم قیافه و تعبیر خواب را ثبت میکردند ۳ - گشتک دبیره که بآن عهدنامه‌ها و اقطاع و نام‌ها و رموز را بر انگشتری‌ها و برسکه‌ها می‌نوشته‌اند . ۴ - پاره گشتک یا نیم گشتک که مأخوذ از خط گشتک بوده و ۲۸ حرف داشته و طب و فلسفه را بآن مینوشته‌اند . ۵ - شاه دبیره که اختصاص

پادشاهان و خاندان شاهنشاهی داشته است . ۶ - راز سهریه که پادشاهان نامه‌هایی را که برای پادشاهان ملل دیگر می‌نوشته‌اند با این خط بوده است . ۷ - راس سهریه . این خط نقطه‌دار بوده و برای بیان مطالب منطقی و فلسفی بکار میرفته و ۲۴ حرف داشته است .

جز این هفت خط دو خط دیگر هم داشته‌اند با این شرح : ۸ - هزارش که خط هجائی بوده است و ابن ندیم بنقل از روزبه فارسی دوهزار هزارش بوده که برای جدا کردن مشابهات از یکدیگر بکار میرفته است . ۹ - خط فیرآموز (پیرآموز) ابن ندیم درباره خطوطی که مصاحف را بدان مینوشته می‌نویسد : (فیرآموز که ایرانیان آنرا استخراج کرده و بدان خوانند) قرآن را بآن خط که خود آن را استخراج کرده‌اند می‌نویسند و میخوانند . پیرآموز را سهل و آسان معنی کرده‌اند لیکن نویسنده را در این مورد نظر دیگری است که بجای خود متذکر آن خواهد شد .

بجاست یادآور این نکته شود که خط دین دبیره از کاملترین خطوطی است که تا امروز بشرفی با اختراع آن گردیده است . در این خط هر حرف نماینده یک صداست و خط - شناسان و دانشمندان زبان شناسی آن را از بهترین و کاملترین خطوط الفبائی جهان دانسته‌اند و این خود از افتخارات درخشان فرهنگ کهن ایران باستان است .

با شرحی که بطور اختصار گذشت ایرانیان در چهار هزار سال قبل از این با خط الفبائی آشنائی داشته‌اند و افکار و عقاید و نظرات و تجربیات و دانستنی‌های خود را ثبت میکردند و چون برای هر فن و دانشی خطی بکار می‌برده‌اند پس مسلم و محقق است که در دانشهای گوناگون صاحب نظر و اطلاع و تجربه بوده‌اند . زیرا اگر دانشی نبود نیاز به اختراع خط مخصوصی برای ثبت آن دانش بمیان نمی‌آمد بنابراین ایرانیان از دوهزار سال قبل از میلاد مسیح یعنی چهار هزار سال پیش از این با فلسفه - منطق - طب و موسیقی آشنائی کامل داشته‌اند و باید گفت ملت ایران نخستین ملتی است که برای ثبت وضبط اصوات و آهنگهای

۱ - گشتک که همان گشتک باشد و معنی آن بازگشته شده است و چنین بنظر میرسد که این خط را از خط دیگری که علائم و حروف آنرا تغییر داده و مختصر کرده بوده‌اند استخراج شده بوده است و به همین جهت نام آن را (تغییر یافته) گذاشته بوده‌اند بنوشته ابن ندیم این خط ۲۴ حرف داشته است .

۲ - نویسنده انگشترهایی از عقیق و سیلان در اختیار دارد متعلق بدوران هخامنشی و ساسانی که تصور می‌رود خطوط آن گشتک دبیره باشد . ۳ - راز سهریه و راس سهریه بر طبق ثبت نسخه‌های الفهرست است تصور می‌رود یا ابن ندیم آنرا صحیح ثبت نکرده و یا سناح الفهرست آن را تحریف کرده باشند .

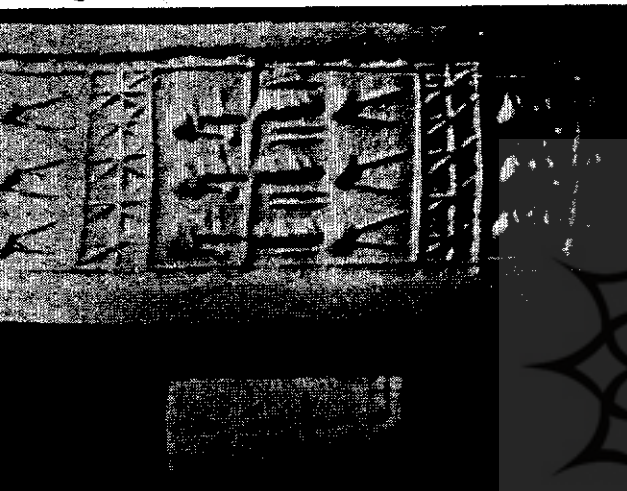
۴ - فرهنگ فارسی استاد دکتر محمد معین و المعجم فی معانی اشعار المعجم شمس قیس تصحیح استاد مدرس رضوی ص ۴۸۶ .

موسیقی وحتى ضبط نوای آبشار ونغمه پسرندگان و آوای درندگان باخط مخصوصی قادر به نوشتن و ثبت آن بوده است و آنرا ویش دبیره می نامیده اند که بجای نوت موسیقی امروزی بکار می برده اند .

اینک به بینیم این خطوط را بر چه چیزی می نوشته اند ؟ ایرانیان در دوران هخامنشی نوشته های خود را بر سنگها نقر و یا بر لوح های گلی می نوشته اند و سپس این لوح ها را مانند آجر می پخته اند تا در برابر رطوبت استقامت بیشتری داشته باشد . و گاه مطالب گرانقدر و ارزنده را بر لوح های زرین و سیمین نقر میکردند . هم اکنون گذشته از سنگ نبشته های موجود در کوه های فارس - کرمانشاه - آذربایجان و لوح های

یادگارهای آئین مهری است . چون گاو در آئین مهرپرستی مقدس بود . نوشته های آئین مهری را بر پوست گاو می نوشتند و این سنت در آئین زرتشت مانند بسیاری دیگر از معتقدات آئین مهری رسوخ کرد . بطوریکه اوستا را بر پوست گاو می نوشتند . چنانکه میدانیم در دوران ساسانیان اوستای جمع آوری شده بزروی ۱۲۰۰۰ رقعہ پوست گاو نوشته شده بود . و بطوریکه در صفحات آینده به تفصیل خواهد آمد . کتابهای بدست آمده از سارویه بیشتر بر پوست گاو بوده است .

چون پوست گاو دباغی شده در مکانهای مرطوب متعفن میگردد و کندزا می شد ایرانیها موفق شدند کاغذی از پوست درخت خدنگ که هم نرم بود و هم مقاومت بسیار داشت بسازند



راست : نقش مهر استوانه ای که در روی خمیر مخصوص منعکس گردیده و در آن شکارگاهی نموده شده است : حروف مقطع از نوع میخی علامی در روی آن دیده میشود چپ - نقش مهر استوانه ای دیگر که بر روی خمیر مخصوص منعکس گردیده و خط علامی از نوع میخی در روی آن کاملاً دیده میشود . این مهرهای استوانه ای از کاوشهای تپه مارلیک بدست آمده است

پروژه گاه علوم اسانی و مطالعات تاریخی

و آنرا توز می نامیدند .

جهشیاری در کتاب الوزراء والکتاب مینویسد: ایرانیها فخر میکردند که نوشته های خود را بر چیزی می نویسند که در کشور خودشان بدست می آید .

کتزیاس پزشک اردشیر دوم ساسانی که از ۴۰۶ تا ۳۹۸ پیش از میلاد در دربار این پادشاه بوده است و کتاب پرسیکا را درباره ایران و سفر خود نوشته است متذکر است که کتابش را از روی دفترهای پوستی کتابخانه شاهی اردشیر استساخ کرده

سنگی دیگری که بدست آمده است از لوح های زرین و سیمین متعلق بدوران هخامنشی و اشکانی و ساسانی درموزه ایران باستان و موزه های جهان نمونه هایی در دست است . مانند لوح های زرین و سیمینی که از زیر بنای تخت جمشید بدست آمده و لوح زرینی که بنام اریارامنه است^۱ لوح های زر بنام داریوش دوم^۲ لوح زری که بنام آرشام است^۳ سه ستون سنگی که بر آن نوشته ای بنام اردشیر دوم نقر می باشد^۴ لوح های گلی بسیاری که از کاخ آپادانا و هم چنین محل کارخانه دخانیات تهران بدست آمد و این ندیم نیز متذکر شده است که ایرانیها نوشته های خود را بر لوح های گلی هم می نوشته اند .

ایرانیان پیش از اینکه از قوز (پوست درخت خدنگ) برای نوشتن استفاده کنند نوشته های خود را بر پوست دباغی شده گاو می نوشتند . این سنت به قبل از آئین زرتشت میرسد و از

- ۱ - کتاب هنگمتانه تألیف آقای مصطفوی .
- ۲ - دولوح درموزه ایران باستان و یک لوح متعلق به مارسل ویدال .
- ۳ - مجموعه مارسل ویدال .
- ۴ - متعلق به یک مجموعه شخصی در انگلستان .

بوده است.^۱

طبق اطلاعاتی که ابن ندیم بدست میدهد در کاخ آپادانا بر روی چوب‌ها و سنگ‌های کاخ نوشته‌هایی بوده است که اسکندر کجستک آنها را خراب و ویران کرد و سوزانید.

باطرح مطالب یادشده باین نتیجه می‌رسیم که ایرانیان نخست بر روی سنگ و سپس لوح‌های گلی و سیمین وزرین ورقه‌های پوست گاو و گاو میش و بز و سرانجام بر پوست درخت خدنگ افکار و آثار خود را ثبت می‌کرده‌اند.

ساخت کاغذ در ایران نیز سابقه کهن دارد و ایرانیان این صنعت را از دیرباز از چینیان آموخته بوده‌اند.

ابن ندیم می‌نویسد کاغذ خراسانی از کتان بدست می‌آید و کارگران چینی آنرا در خراسان همانند کاغذ چینی می‌ساختند و انواع آن - طلحی - نوحی - فرعونی - جعفری و طاهری است.

نام‌هایی را که ابن ندیم یاد میکند نام‌هایی است که عرب‌ها به انواع کاغذ خراسانی داده بوده‌اند و بدیهی است در ایران باستان کاغذهای سُغد سمرقند بنام‌های دیگری نامیده می‌شده است. منظور ابن ندیم از خراسان سمرقند است زیرا عرب‌ها در سال ۸۷ هجری که سمرقند را در خراسان بزرگ فتح کردند از دیدن کارخانه‌های کاغذسازی آن بشگفتی افتادند و از آن زمان است که مسلمانان با کاغذ آشنا شدند و بعدها از طریق کشورهای اسلامی کاغذ ایران به اروپا و مغرب زمین رفت و ساخت کاغذ در سایر کشورها متداول و معمول گردید.^۲

کاغذ سمرقندی و ترمه ایران در میان انواع کاغذ قرن‌ها شهرت و معروفیت بسزاداشته و بمراتب از کاغذ خانبالیغ چین مرغوب‌تر و لطیف‌تر بوده است.

در قابوسنامه از کاغذ منصوری یاد شده است و عبدالواسع جبلی و انوری شاعران نامی هم از کاغذ سُغدی یاد کرده‌اند. سُغد به ناحیتی گفته می‌شد که سمرقند مرکز آن بود و چنین استنباط می‌گردد که جز سمرقند در دیگر شهرهای ماوراءالنهر هم کاغذ می‌ساخته‌اند.

گروهی معتقدند که مانوی‌های ایرانی در بوجود آوردن کارخانه‌های کاغذسازی در سُغد پیش گام بوده‌اند و روابط آنها با چین و علاقه‌ای که به نشر کتابهای خود داشته‌اند در رواج کاغذ و ایجاد کارخانه‌های کاغذسازی در ایران مؤثر بوده است. لیکن بابت آمدن سنگ‌گور چند تن از شاهزادگان اشکانی در چین و روابط نزدیک پارت‌ها با کشور چین میتوان تصور کرد که رواج کاغذ در ایران در دوران اشکانیان امکان‌پذیر بوده است.

کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام

برای اطلاع از چگونگی کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام

ناچاریم باخبار و اطلاعات و گزارشهای معدود و محدود و مختلفی که ضمن آثار مورخان و نویسندگان عرب و یونان بجامانده است توجه کنیم و از آنها نتایجی را استنباط و استدرک کنیم. وسیله محمد بن اسحق ندیم مؤلف الفهرست از نویسندگان و محققان ایرانی اطلاعاتی درباره کتابخانه‌های ایران بدست ما رسیده که هر چند ناقص است ولی میتواند برای بحث ما بسیار سودمند باشد.

ابن ندیم بنقل از کتاب نهمان فی معرفة طالع الانسان تألیف ابوسهل بن نوبخت ایرانی^۳ مینویسد: کی ضحاک در زمین‌های سواد شهری بنا کرد^۴ و نام آنرا از مشتری در آورد و آنرا جایگاه علم و علماء قرارداد و دوازده کاخ بشماره برجهای آسمانی در آن ساخت و هر کاخی را بنام یکی از برجهای آسمانی نامید و برای کتابهای علمی در آنها خزینه‌هایی ساخت و دانشمندان را در آن کاخ‌ها جای داد. . . . اسکندر پادشاه یونان برای هجوم بایران از شهری که رومیان آنرا مقدونیه می‌نامند بیرون شد و دارا پسر شاه دارا را بقتل رسانید و شهرها را ویران ساخت و کاخ‌هایی که بدست بزرگان و سرکشان ساخته شده بود خراب کرد. کاخ‌هایی که بر سنگ‌ها و تخته‌های آن انواع علوم نقش و نقر شده بود با خاک یکسان کرد و با این خرابکاریها و آتش سوزیها آنها را بهم ریخت و درهم کوبید و از آنچه در دیوانها و خزینه‌های استخر بود رونوشتی برداشته و بزبان رومی و قبضی برگردانید و پس از اینکه از نسخه برداریهای مورد نیازش فراغت یافت آنچه بخط گشتک در آنجا بود در آتش انداخت و بسوخت. آنچه را از علوم نجوم و طب و علم النفس میخواست از آنها برگرفت و با دیگر چیزها از علوم و اموال و گنجینه‌ها و دانشمندان تصاحب کرده و بمصر فرستاد.^۵

از آثار ایرانیان تنها آنهایی باقی ماند که پادشاهان گذشته بسنستور پیامبرشان زرتشت و جاماسب حکیم پیش از آن نسخه برداری کرده و بمنظور مصون ماندن از هجوم گجستک که زرتشت از کردار و رفتار ناهنجار او آگاهی داده بود به چین و هند فرستاده بودند.

۱ - یستا . استاد پورداود ص ۸۸ - ۱۱۰ .

۲ - ساخت کاغذ در دوره تمدن اسلامی بقلم کورکیس عواد ترجمه

اقبال آشتیانی مجله یادگار . ج ۴ . شماره ۹ . ص ۹۵ - ۱۲۸ .

۳ - فضل بن ابوسهل بن نوبخت از منجمان عالیقدر ایرانی که در دارالحکمه بکار ترجمه کتابها از فارسی به عربی اشتغال داشته است و در ۱۹۳ هجری در گذشته است . بنظر میرسد که نهمان تحریف شده نوآمدان فارسی باشد . چون سهل بن نوبخت با خط پهلوی آشنائی داشته باید پذیرفت که نوشته‌های او درباره هجوم اسکندر بایران مبتنی بر نوشته‌های دوران ساسانی بوده است .

۴ - خوزستان امروز .

۵ - مقاله هفتم الفهرست .

اطلاعات دیگری که از کتابخانه‌های ایران قبل از هجوم اسکندر داریم آنست که ابومعشر بلخی ایرانی در کتاب اختلاف الزیجات خود بمناسبتی آورده و این ندیم عیناً از کتاب او بدین شرح نقل کرده است .

«پادشاهان ایران برای نگاهداری و حفظ وصیانت دانشها و بجای ماندن آنها اهتمامی فوق‌العاده مبذول می‌داشتند؛ آنها برای محفوظ ماندن کتابها و آثار دانشمندان از آسیب زمانه و آفات آسمانی و زمینی وسیله‌ای از سخت‌ترین و محکم‌ترین اسباب و لوازم برگزیدند که تاب مقاومت در برابر هر گونه پیش‌آمدی را داشته باشد و عفونت و پوسیدگی در آن راه نیابد و آن پوست درخت خدنگ بود که بآن توز میگفتند . چنانکه هندیان و چینیان و مردم دیگر کشورها از ایشان پیروی کردند و توز برای محکمی و سختی و نرمی و قابلیت انعطاف در کمان-سازی هم بکار برده می‌شد .

ایرانیها پس از اینکه بهترین وسیله را برای ثبت و ضبط و نوشتن و نگاهداری دانش‌ها بدست آوردند برای یافتن بهترین جا و مکان جهت بنیاد کتابخانه و خزانه کتاب به جستجو پرداختند جائیکه از زمین لرزه برکنار و گیش چسبندگی داشته باشد تا برای ساختمان‌های محکم و پابرجا مناسب باشد . پس از گنجگاوای بسیار سرانجام شهرستانی که همه این محسنات را داشت یافتند و آن شهر اصفهان بود . در آنجا هم پس از کاوش نقاط مختلف شهر روستای جی را بهترین جا و مکان یافتند . در جی کهن‌دژ را برگزیدند و در آنجا عمارتی رفیع بنیاد نهادند و سارویه‌اش نامیدند .

مردم از پی بنا سازنده و پایه‌گذار آن پی بردند؛ زیرا در سالهای گذشته گوشه‌ای از ساختمان سارویه ویران گردید و در آن سغی (دالانی) نمایان شد که با گل سفت (ساروج) ساخته شده بود و در آن کتابهای زیادی از نوشته پیشینیان نهاده بودند که بر پوست خدنگ نوشته بودند : در دانشهای گونه‌گون بخط پارسی باستانی .

از این کتابها تعدادی بدست کسی رسید که در خواندن آنها دانا و توانا بود . در آنها نوشته‌ای از برخی شاهان ایران یافت که چنین بود «بطهمورث شاه که دوستدار دانش و دانش‌پژوهان بود خبر دادند که در اثر یک حادثه آسمانی که در مغرب بظهور خواهد پیوست بعلت ریزش بارانهای پی‌درپی جهان را آب فرا خواهد گرفت . زمان وقوع آن با گذشتن دو بیست و سی و یکسال و سیصد روز از آغاز پادشاهی وی خواهد بود .

منجمان تهمورث شاه را بر آن داشتند که برای پرهیز از زیان و خسران آن توفان چاره‌ای اندیشد و گفتند زیان و خسران آن باران و توفان تا انتهای مشرق کشیده خواهد شد . تهمورث شاه مهندسان و کارآگاهان را فرمان داد در سراسر

ایران شهر کاوش کنند و جویا شوند جائی را که از همه جهت برتری داشته باشد برای ساختمان بنائی بمنظور حفظ آثار دانش برگزیدگان .

آنها پس از جستجو جی را در اصفهان برگزیدند و سارویه را ساختند . پس از اینکه سارویه در جی ساخته شد فرمان داد تا آنچه از کتابهای علوم مختلف که بر پوست خدنگ نوشته شده بود در خزائن سارویه جا دادند تا پس از برطرف شدن توفان دانشهای کهن برای مردم جهان بجای بماند .

در میان کتابهای آن کتابخانه کتابی اثر یکی از دانشمندان باستانی ایران بود در علم ادوارسنین^۱ که برای استخراج سیر ستارگان و علل حرکتشان بکار میرفت . مردم دوره تهمورث‌شاه و پارسیان پیش از آن ، آن را ادوار هزارات میخواندند و بسیاری از دانشمندان هند و کلدانیان قدیم که نخستین سکنه حومه بابل بودند گردش سیارات هفتگانه را از آن استخراج میکردند و این زیج را از میان دیگر زیج‌های آن زمان برتری میدادند زیرا از همه صحیح‌تر و مختصرتر بود و منجمان آن زمان زیجی از آن استخراج کردند و آنرا زیج شهریاری یعنی پادشاه زیج‌ها نامیدند .

این ندیم خود میگوید : یکی از اشخاص ثقه بمن خبر داد که در سال سیصد و پنجاه هجری در سارویه جی دالانی خراب گردید که جایش معلوم نشد زیرا از بلند بودن سطح آن گمان میکردند که درون آن خالی نبوده و پراست تا زمانیکه آن خود بخود فرو ریخت و در آن کتابهای زیادی بدست آمد که هیچکس نمیتوانست آنها را بخواند و آنچه من با چشم خود دیدم و ابوالفضل عمید آنها را در سال سیصد و چهل و اندی فرستاده بود کتابهایی بودند پاره پاره که از باروی اصفهان میان صندوقهایی بدست آمده و بزبان یونانی بود و کسانیکه آن زبان را میدانستند مانند یوحنا و دیگران آنرا ترجمه کردند و آشکار شد که نام سر بازان و جیره آنان است و آن کتابها چنان گندزا بودند که گوئی تازه از دباغی درآمده‌اند ولی پس از آنکه یکسال در بغداد ماندند خشک شدند و تغییر کردند و عفونتشان برطرف شد و پاره‌ای از آنها اکنون نزد شیخ ابوسلیمان موجود است . گویند سارویه یکی از بناهای محکم باستانی است که ساختمان معجز آسائی دارد و در مشرق چون اهرام مصر در مغرب از نظر عظمت و اعجاب است .

۱ - از این گفته ابومعشر بلخی چنین برمیآید که در بنای سارویه جی هم مانند کاخ آپادانا در زیر پی بنا لوح‌هایی دفن کرده بوده‌اند که علت ساختمان و تاریخ بنای آن را در آن نوشته بوده‌اند .

۲ - ادوارسنین . یا علم ادوار . دوره‌ایست که احکامیان و منجمان برای هر ستاره از بدو خلقت تا با امروز قائل شده‌اند و آنرا بفارسی هزارات گویند . لغت‌نامه دهخدا .

پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی